

فرار ساعت هشتم
 با تمام فرزندانم زارت وارث
 ای بهترین عطری که می‌شناختم... آشنا با شانه‌های وحی و آمیخته با گلبرگ‌های یاس، آخ که نشناختند تو را مردمانی که مشام‌شان جز به سکه آشنا نبود! آخ از این مردم و مشک‌های آلوده به طعم! آه از این نیزه‌های تشنه به خون! ای مسیح دوباره! ای در رگ‌های تو نور و در نفست صبح، کجا بودند این مردم وقتی شانه‌های تو ستون شد آسمان را و چشم‌های تو روشنی راه گم‌کردگان شد... من چگونه پژواک کتم سکوت را وقتی از حنجره تو نام خدا به گوش آسمان می‌رسد و از کربلا تا شام هر سنگ آهی است افتاده به راه... من از راه تو بر نمی‌گردم و از دهانم نام تو فرو نمی‌افتد. تا زنده‌ام تو را نفس می‌کشم، تو را سلام می‌دهم ای معنای دیگر سلام...



۴ صفحه | ضمیمه نوجوان روزنامه | شماره ۲۲۱

www.qudsonline.ir

شنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۵ | ۱۳ محرم ۱۴۳۸ | ۱۵ اکتبر ۲۰۱۶

کودکان زیادی هستند که هر شب با آرزوی رفتن به مدرسه می‌خوابند

در آرزوی مدرسه

قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی اول به جان هم افتادند
جنگی برای پایان جنگ‌ها...!

در صفحه ۲ بخوانید

بچه‌های دیروز، بچه‌های امروز
نخور...! بخور...!

در صفحه ۳ بخوانید



درد آشنای کودکان کار

از مناطق محروم برمی‌گردیم به معضل شهرهای بزرگ یعنی «کودکان کار». کودکانی که آنها هم آرزوی مدرسه رفتن دارند، اما باید کار کنند و آخر شب پول به خانه ببرند. درست در سن‌وسالی که جایشان پشت نیمکت‌های مدرسه خالی است.

مثل همیشه آمار رسمی و دقیقی از کودکان کار محروم از تحصیل وجود ندارد، اما آمارهای غیررسمی می‌گویند که احتمالاً چیزی در حدود یک‌سوم از کودکان ایرانی بین ۶ تا ۱۸ سال، در خارج از سیستم رسمی آموزش و پرورش قرار دارند و به بیان دیگر «محروم از تحصیل» هستند.

این بچه‌ها اگر خیلی شانس بیآورند فقط می‌توانند دوره ابتدایی و متوسطه اول را تمام کنند، اگر چه خیلی از آنها مجبور هستند در دوران درس خواندن هم بعد از مدرسه کار کنند.

همان دست‌فروش‌های کوچک با لباس مدرسه که هر روز کنار خیابان‌ها یا سر چهارراه‌ها می‌بینیم.

کودکان کار معمولاً از خانواده‌هایی هستند که به خاطر مشکلات مالی باید کار کنند تا کمک‌خرج باشند. عده‌ای دیگر هم خانواده‌شان را از دست داده‌اند و برای کسی که سرپرست آنهاست کار می‌کنند.



مثل همیشه آمار رسمی و دقیقی از کودکان کار محروم از تحصیل وجود ندارد. اما آمارهای غیررسمی می‌گویند که احتمالاً چیزی در حدود یک‌سوم از کودکان ایرانی بین ۶ تا ۱۸ سال، در خارج از سیستم رسمی آموزش و پرورش قرار دارند و به بیان دیگر «محروم از تحصیل» هستند.

دلیل محروم بودن بچه‌ها از درس

علت اینکه چرا این بچه‌ها از درس خواندن محروم می‌شوند، هر کس نظری دارد، بعضی‌ها آموزش و پرورش و سیاست‌های آموزشی را مقصر می‌دانند و بعضی دیگر می‌گویند نهادهای فرهنگی باید برای آموزش این بچه‌ها تلاش کند.

البته قانون هم به کسی اجازه نمی‌دهد که جلوی تحصیل کودکان در سن مدرسه را بگیرد، اما وقتی قانون در این زمینه به‌درستی اجرا نمی‌شود، پس اجراکنندگان قانون هم می‌توانند مقصر باشند.

اما مهم‌تر از پیدا کردن مقصر، پیدا کردن راه‌حلی برای این ماجراست. در خیلی از مناطق برای کودکان بازمانده از تحصیل کلاس‌هایی برای رسیدن به درس‌های عقب‌مانده یا تحصیل در بعدازظهرها ایجاد شده است که البته بیشتر شامل کودکان کار می‌شود.

هر سال آمار منتشر می‌شود که با تلاش مسئولان تعدادی از کودکان بازمانده از تحصیل به مدرسه برمی‌گردند، اما به نظر حتی با نبودن آمار دقیق از تعداد این بچه‌ها، مشکل به این زودی‌ها حل نمی‌شود.

هر سال تعداد بیشتری دانش‌آموز باید به کلاس اول بروند که اگر از تحصیل محروم بمانند به آمار دانش‌آموزان مدرسه‌نرفته سال گذشته اضافه می‌شوند. آن‌وقت معلوم نیست چه تعداد آرزو و آینده روشن در گوشه‌وکنار شهر ما برای همیشه از بین می‌رود.



مدرسه‌ای که وجود ندارد!

اسمش سیماست و حدس می‌زنم باید دانش‌آموز پایه ششم یا هفتم باشد، ولی می‌گویند باید بروم دبیرستان. خوشحال می‌شوم و می‌پرسم چه رشته‌ای انتخاب می‌کنی؟ همان‌طور که سعی می‌کنم ناراحتی‌اش را پنهان کنم، جواب می‌دهد بعید است بروم. روستایمان دبیرستان ندارد و تا دبیرستان شهر هم خیلی راه است. خانواده‌ام اجازه نمی‌دهند هر روز آن‌قدر راه بروم و بیایم. تازه مسیر هم خطرناک است و باید از روی یکی، دو تا پل رد شوم. دو سال پیش نزدیک بود اتوبوس بچه‌ها از روی پل بیفتد توی رودخانه!

چندوقت پیش یکی از رسانه‌ها نوشته بود که دانش‌آموزان دبستان «حر» روستای چمرکوه، کوچک‌ترین مدرسه مازندران همواره نگران آن هستند تا مبادا، معلم‌شان در مسیر رفت‌وآمد به روستا، طعمه گرگ‌های گرسنه شود!

آمار می‌گوید که از کودکان بازمانده از تحصیل در استان‌های بزرگ کشور وجود دارد؛ مثلاً معاون اجتماعی بهزیستی استان فارس گفته است که ۲۰ هزار کودک در این استان به مدرسه نمی‌روند.

محروم از ابتدایی‌ترین امکانات

علاوه بر بعضی مناطق و روستاهای کشور که دسترسی به مدرسه و معلم ندارند، وضع مالی بد بعضی از خانواده‌ها هم باعث می‌شود که فرزندان‌شان از مدرسه رفتن و درس خواندن جا بمانند.

آقای «جمشید گریوانی»، مسئول خیرین مدرسه‌ساز استان بجنورد درباره این موضوع می‌گوید: «دانش‌آموزان زیادی را سراغ دارم که به خاطر مشکلات مالی نمی‌توانند نیازهای تحصیلی‌شان را برطرف کنند. خانواده‌های دانش‌آموزان و بعضاً خود دانش‌آموزان با مراجعه به مراکز مختلف درخواست اقلامی همچون لباس فرم، لوازم‌التحریر و هزینه‌های تحصیل را دارند. این دانش‌آموزان در آستانه ترک و بازماندن از تحصیل هستند که باید برای آنان فکری شود. حتی در بعضی مناطق محروم کشور دانش‌آموزان دچار سوءتغذیه هم هستند.»

درباره کودکان بازمانده از تحصیل آمارها کمی با هم متفاوت هستند. ضمن اینکه با شروع هر سال تحصیلی به این آمار افزوده می‌شود. امسال رسانه‌ها گفتند که از ۸۰ هزار نفری که در سال ۱۳۹۵ به اول دبستان رفتند، بیشتر از ۲۵۰۰ نفر از تحصیل بازمانده‌اند.

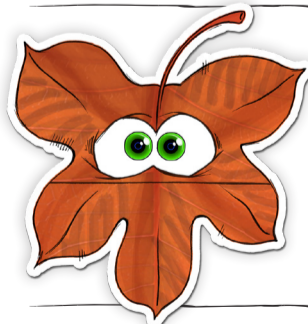
نعیمه موحد آرزوی‌شان این است که صبح زود با شوق رفتن به مدرسه از خواب بلند شوند. کتاب و دفتری داشته باشند و یکی از نیمکت‌های کلاسی معمولی برای آنها باشد. حتی مشق نوشتن برایشان آرزوست. درست همان زمانی که خیلی از ما می‌خواهیم از درس و مدرسه و تکلیف نوشتن فرار کنیم، بچه‌های زیادی همسنگ و همسال ما هستند که حسرت مدرسه رفتن را دارند. حسرت ساختن آینده‌ای روشن‌تر و بهتر که بدون مدرسه از آنها گرفته شده است.

مدرسه نمی‌رویم چون پسر نیستیم!

مدرسه رفتن برای هریک از بچه‌هایی که به این مشکل گرفتار هستند دلایل مختلفی دارد. دو خواهر هستند؛ دوازده و شانزده‌ساله. آخرین معدل‌شان ۱۹/۵ است. می‌گویند چون درس خواندن سخت است و به‌سختی به مدرسه می‌رویم پس باید خوب درس بخوانیم، اما دخترها بعد از خواندن دوره ابتدایی دیگر اجازه ادامه تحصیل پیدا نمی‌کنند. بزرگ‌ترهایشان معتقدند که بیشتر از این درس خواندن به کارشان نمی‌آید، پس آنها کار می‌کنند پایه‌های بزرگ‌ترها و مردها. از هشت صبح تا هشت شب.

دختران دیگری هم در این امید هستند که یک روز یک نفر برایشان مدرسه‌ای به روستا بیاورد یا دل بزرگ‌ترها را نرم کند تا آنها هم حداقل تا دیپلم درس بخوانند، اما آمار بالای دختران بی‌سواد یا بازمانده از تحصیل حتی مسئولان را هم نگران کرده است.

واقعیت این است که در بسیاری از شهرهای مرزی یا شهرهایی با بافت سنتی و عشایری هنوز هم برای درس خواندن دختران مانع وجود دارد. دخترانی که برای درس خواندن نه امکانات می‌خواهند و نه وسایل و لوازم خاص. آنها فقط عاشق این هستند که مثل همسنگ‌هایشان دانش‌آموز باشند.



مدرسه نرفتن برای بزرگ‌ترین دلیل از بچه‌هایی که به این مشکل گرفتار هستند دلایل مختلفی دارد. دو خواهر هستند؛ دوازده و شانزده‌ساله. آخرین معدل‌شان ۱۹/۵ است. می‌گویند چون درس خواندن سخت است و به‌سختی به مدرسه می‌رویم پس باید خوب درس بخوانیم، اما دخترها بعد از خواندن دوره ابتدایی دیگر اجازه ادامه تحصیل پیدا نمی‌کنند.





چند روزی از دنیای خبرها دور بودید و دوباره از امروز ما با شما همراه شدیم تا اخبار جالب ایران و جهان را برایتان تعریف کنیم. امروز هم از مرغی که از بچه گربه‌ها مواظبت می‌کند تا طولانی‌ترین پله برقی جهان، در خور جین اخبار ما وجود دارد. اخبار امروزمان را از دست ندهید.

بهبانهای شروع جنگ

در تاریخ نوشته‌اند که ترور ولیعهد اتریش - مجارستان در صربستان آتش جنگ جهانی اول را شعله‌ور کرد، اما واقعیت این است که این ترور تنها بهانه بود؛ بهانه‌ای که با آن اتریش - مجارستان می‌توانستند اهداف نظامی، ملی و مستعمره کردن صربستان را از طریق آن جنگ پیگیری کنند. رقابت اتریش و روسیه در بالکان که اسیر اختلاف‌های جدایی طلبانه بود، اختلاف بین فرانسه و آلمان از سال ۱۸۷۰ درباره آزراس ولرن (منطقه‌ای در فرانسه که بیشتر ساکنانش آلمانی بودند) و رقابت اقتصادی و دریایی بین آلمان و انگلیس، دلایل اصلی وقوع جنگ جهانی اول بودند. اتریش و مجارستان در آن زمان کشوری متحد با دو پادشاه بودند که اروپای مرکزی تحت کنترل آنها بود. در نهایت هم کشورهای درگیر در جنگ جهانی اول قبل از پایان جنگ، باعث جدایی این دو پادشاهی شدند. وقتی اتریش - مجارستان به صربستان حمله کردند آلمان هم به آنها پیوست و امپراتوری عثمانی و بلغارستان هم از این کشورها که به «متحدین» معروف شدند، حمایت کردند. دنیای آن روز جنگ بر سر بیشتر داشتن و ترس از از دست دادن بود. قدرت‌های بزرگ همگی به خاطر پیشرفت‌هایی که در امور نظامی داشتند از یکدیگر می‌ترسیدند. همه دوست داشتند امپراتور دنیا باشند و قدرتی بین‌المللی هم وجود نداشت که اختلاف قدرت‌ها را با هم کم کند. پس وقتی متحدین علیه صربستان وارد جنگ شدند، از آن طرف کشورهای بلژیک، انگلیس، فرانسه، روسیه و صربستان هم گروه «متفقین» را تشکیل دادند. ژاپن، ایتالیا، پرتغال، رومانی، ایالات متحده آمریکا، یونان و برزیل از کشورهای ائتلاف حمایت کردند. این جنگ از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ طول کشید.

در تاریخ نوشته‌اند که ترور ولیعهد اتریش - مجارستان در صربستان آتش جنگ جهانی اول را شعله‌ور کرد، اما واقعیت این است که این ترور تنها بهانه بود؛ بهانه‌ای که با آن اتریش - مجارستان می‌توانستند اهداف نظامی، ملی و مستعمره کردن صربستان را از طریق آن جنگ پیگیری کنند. رقابت اتریش و روسیه در بالکان که اسیر اختلاف‌های جدایی طلبانه بود، اختلاف بین فرانسه و آلمان از سال ۱۸۷۰ درباره آزراس ولرن (منطقه‌ای در فرانسه که بیشتر ساکنانش آلمانی بودند) و رقابت اقتصادی و دریایی بین آلمان و انگلیس، دلایل اصلی وقوع جنگ جهانی اول بودند. اتریش و مجارستان در آن زمان کشوری متحد با دو پادشاه بودند که اروپای مرکزی تحت کنترل آنها بود. در نهایت هم کشورهای درگیر در جنگ جهانی اول قبل از پایان جنگ، باعث جدایی این دو پادشاهی شدند. وقتی اتریش - مجارستان به صربستان حمله کردند آلمان هم به آنها پیوست و امپراتوری عثمانی و بلغارستان هم از این کشورها که به «متحدین» معروف شدند، حمایت کردند. دنیای آن روز جنگ بر سر بیشتر داشتن و ترس از از دست دادن بود. قدرت‌های بزرگ همگی به خاطر پیشرفت‌هایی که در امور نظامی داشتند از یکدیگر می‌ترسیدند. همه دوست داشتند امپراتور دنیا باشند و قدرتی بین‌المللی هم وجود نداشت که اختلاف قدرت‌ها را با هم کم کند. پس وقتی متحدین علیه صربستان وارد جنگ شدند، از آن طرف کشورهای بلژیک، انگلیس، فرانسه، روسیه و صربستان هم گروه «متفقین» را تشکیل دادند. ژاپن، ایتالیا، پرتغال، رومانی، ایالات متحده آمریکا، یونان و برزیل از کشورهای ائتلاف حمایت کردند. این جنگ از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ طول کشید.

قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی اول به جان هم افتادند جنگی برای پایان جنگ‌ها!...

باشگاه خبرنگاران جوان

۱۵۲ کودک و نوجوان در زندان رژیم صهیونیستی

به‌تازگی سائیتی فلسطینی اعلام کرد که تعداد زندانیان کودک و نوجوان فلسطینی در زندان‌های رژیم صهیونیستی به ۱۵۲ نفر رسیده است. این سایت اعلام کرده است که تنها در ماه گذشته ۳۰ فلسطینی زیر ۱۸ سال دستگیر و به زندان منتقل شده‌اند. نیروهای رژیم صهیونیستی برای آزادی زندانیان پول‌های هنگفتی می‌خواهند و برای آزادی فقط چند نوجوان فلسطینی ۴۷ هزار دلار جرمه نقدی دریافت کرده‌اند. کودکانی که آزاد شده‌اند تعریف کردند که همبندان‌شان شکنجه می‌شوند و آنهایی که بیماران از خدمات بهداشتی محروم هستند، از ابتدای سال جاری، حدود یک‌هزار فلسطینی بین ۱۱ تا ۱۸ سال از سوی نظامیان صهیونیست بازداشت شده‌اند که حدود ۷۰ نفرشان که ساکن شرق بیت‌المقدس هستند، حق خروج از خانه‌هایشان را ندارند.



کودکان مظلوم فلسطینی

سیناپرس

پیدا شدن هزار جفت کفش هزار ساله

گاهی در کاوش‌های باستان‌شناسی چیزهای جالبی به دست می‌آید؛ مثل همین که باستان‌شناسان هزار جفت کفش یک‌جا پیدا کرده‌اند که متعلق به ۱۸۰۰ سال قبل و برای رومیان باستان است. جالب اینجاست که این کفش‌ها زنانه، بچه‌گانه و مردانه است. این کفش‌ها در نوع خودشان بی‌نظیر هستند. نکته جالب اینجاست که این کفش‌ها برای مکان‌های مختلف طراحی شده‌اند؛ مانند دمپایی‌های حمام یا کفش‌های کوهنوردی و پیاده‌روی که با هم فرق دارند. این کفش‌ها داخل خندقی دفاعی پیدا شده است.

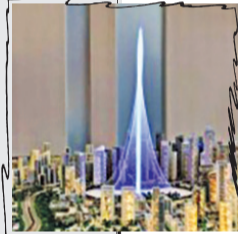


کفش‌های قدیمی

سیناپرس

ساخت بلندترین برج جهان

ما که مدام فکر می‌کردیم برج میلاد بزرگ‌ترین برج جهان است، اما حالا فهمیدیم برج‌های بلندتر از برج میلاد هم در دنیا کم نیستند و حالا هم بزرگ‌ترین برج جهان در امارات متحده عربی و در شیخ‌نشین دبی در حال ساخت است. این برج ۹۲۸ متر ارتفاع دارد و با بودجه یک‌میلیارد دلاری ساخته می‌شود. سازندگان این برج می‌گویند ساخت آن تا سال ۲۰۲۰ ادامه پیدا خواهد کرد. این برج کنار برج خلیفه قرار دارد. تابه‌حال برج خلیفه به عنوان بزرگ‌ترین برج شناخته می‌شد. قرار است در این برج هتل و بازار احداث شود.

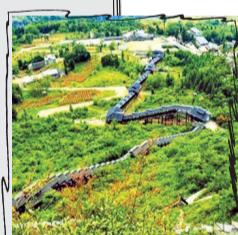


ساختمان‌های سر به فلک کشیده

ایستنا

راه‌اندازی طولانی‌ترین پله برقی جهان در چین

تنها دبی نیست که می‌خواهد ساختمانی را بسازد که در دنیا سروردا کند، چینی‌ها از همان زمان که دیوار بلند چین را ساختند همه فکر و ذکرشان این بود که عجیب‌ترین چیزها را داخل کشور خودشان بسازند. در حال حاضر نیز هوس کرده‌اند بلندترین پله برقی جهان را بسازند و به‌تازگی آن را افتتاح کردند. طول این پله برقی ۶۸۸ متر است که گردشگران از آن استفاده می‌کنند. در اطراف این پله برقی تصاویر بسیار جذابی از طبیعت وجود دارد که گردشگران می‌توانند با ایستادن روی این پله‌ها مناظر اطراف را نگاه کنند. این پله برقی توانایی حمل ۷۳۰۰ مسافر در ساعت را دارد و می‌تواند سالانه ۳۰۰ هزار نفر را عبور دهد.



پله برقی در چین

پله برقی در چین

ایستنا

سفر به مریخ مغز انسان را نابود می‌کند



از این به بعد خونه میتینیم و سفر نمی‌ریزم مریخ!

سفر به مریخ مغز انسان را نابود می‌کند

به طور جدی به شما توصیه می‌کنیم که دور رفتن به فضا را خط بکشید، زیرا محققان می‌گویند سفر به مریخ آسیب‌های

باشگاه خبرنگاران جوان

این مرغ دو بچه گربه را بزرگ می‌کند

در دنیایی که پر از خبرهای بد و گاهی ناگوار از جنگ و کشتار است، گاهی بعضی از خبرها لیخندی را روی لب می‌نشانند. به‌تازگی ویدیویی در فضای مجازی منتشر شده است که نشان می‌دهد یک مرغ سرپرستی دو بچه گربه را بر عهده گرفته است. در این فیلم با آنکه این مرغ خودش تخم گذاشته است و از آنها مراقبت می‌کند، دو بچه گربه را هم به داخل لانه‌اش راه داده است و از آنها هم نگهداری می‌کند. این تصاویر که در استرالیا گرفته شده‌اند مرغی را با محبت مادری خود روی تخم‌هایش و در کنار دو بچه گربه‌ای نشان می‌دهد که به فرزندگی قبول کرده است.



مرغ مهربان

مرغ مهربان



پانا

ایران در جمع ۳۰ قدرت برتر فوتبال

بعد از بازی ایران و کره‌جنوبی فیفا، سازمان جهانی فوتبال جدیدترین رده‌بندی تیم‌های فوتبال را معرفی کرد و در این رده‌بندی ایران به صعود قابل توجهی دست پیدا کرده است و از رتبه ۳۷ جدول رده‌بندی به رتبه ۲۷ دنیا رسیده و در بین ۳۰ کشور برتر قرار گرفته است. این رده‌بندی نشان داده است که ایران در قله فوتبال آسیا قرار دارد و از همه کشورهای آسیایی بالاتر است. در رده‌بندی جدید فیفا، آرژانتین در رتبه نخست قرار دارد و آلمان و برزیل هم رده‌های بعدی را به خودشان اختصاص داده‌اند.

آخرین بچه‌ها

پانا

تنبیه دانش آموز گرمانی تکذیب شد

نمی‌دانم شما آن ویدیویی را که در آن چند دانش‌آموز تنبیه می‌شوند دیده‌اید یا نه. در توضیح این ویدیو ادعا شده بود که چون خانواده‌های این بچه‌ها که در یکی از شهرهای کرمان هستند توان پرداخت پول به مدرسه را نداشته‌اند دانش‌آموزان به همین دلیل تنبیه شده‌اند. این ویدیو خیلی سروردا کرد و مسؤولان آموزش و پرورش کرمان اطلاعیه‌ای را صادر و اعلام کردند که این فیلم کاملاً ساختگی است و شخصی که با مدیر مدرسه مشکل داشته این فیلم را ساخته است و از نحوه صحبت کردن و خندیدن بچه‌ها مشخص است که این تنها یک بازی است.

فیلمی که تکذیب شد

دیروز:



نزاراش مال باباست! (یعنی قسمت‌های خوبش رو بابا باید بخوره چون کار می‌کنه و برای ما غذا تهیه می‌کنه؛ یعنی قسمت‌های گوشت لخمی و ماهیچه) وقتی آبگوشت داشتیم؛ یعنی خیلی خوب بود. بیشتر وقت‌ها اشکنه تخم‌مرغ بود و آش نعنا داغ و خوب، به وقتایی هم دمی آش. ما این قدر می‌دویدیم و این قدر تکاپو داشتیم که برامون مهم نبود چی توی به قول مادرم خندق بلا می‌ریختیم. سعی می‌کردیم حتی اگه به دلایلی گاهی قهر می‌کردیم (که کسی منت‌کش هم پیدا نمی‌شد و باز خدمتون به هزار بهونه آشتی می‌کردیم) حتماً تا موقع پهن شدن سفره آشتی کنیم یا دمه به بار آبگوشت داشتیم (یعنی غذای اعیونی مون) من هم قهر. هرچه تقلا کردم موقعیت آشتی فراهم نشد. رسیدیم سر سفره. من نشسته بودم روی دیوار. تابستون بود و توی حیاط نهار می‌خوردیم. به کاسه داشتیم از این آبی‌های سفالی. خیلی بزرگ بود (من فکر می‌کردم کاسه بزرگ‌تر یعنی غذای بیشتر). مادرم آب آبگوشت رو که ریخت، من از اون بالا صدا زدم:

نزاراش مال باباست! (یعنی قسمت‌های خوشش رو بابا باید بخوره چون کار می‌کنه و برای ما غذا تهیه می‌کنه؛ یعنی قسمت‌های گوشت لخمی و ماهیچه) وقتی آبگوشت داشتیم؛ یعنی خیلی خوب بود. بیشتر وقت‌ها اشکنه تخم‌مرغ بود و آش نعنا داغ و خوب، به وقتایی هم دمی آش.

- من که غذا نمی‌خوام، اما توی اون ظرف برای هرکی غذا ریخته شده خیلی کمه، سیر نمیشه.
یه پسرخاله داشتیم (البته هنوزم دارم، ولی خب بزرگ شده). این همیشه موقعی که می‌اومد که ما داشتیم غذا می‌خوردیم. مادرم بهش تعارف می‌زد و اونم می‌گفت:
- ممنون، من غذا خوردم.



و من چقدر خوشحال می‌شدم که غذا خورده چون همیشه باید با من شریک می‌شد و این بزرگ‌ترین کابوس من بود.
یه شب ما آبگوشت داشتیم (راستی ما چقدر آبگوشت داشتیم... نه می‌دونید آبگوشتا خاطره بود و بیشتر توی ذهنم موند) همین پسرخاله‌ام سر شام رسید. تا مادرم رفت بگه بیا بشین سر سفره، من داد زدم:
- الکی تعارفش نکنید این شام خورده.
پسرخاله طفلکم شام نخورده بود، ولی مجبور شد بگه:
- آره، من شام خوردم.

